

نگاهی به روند شکل‌گیری

ادبیات کودک و نوجوان در مغولستان

O نویسنده: جامین دات دوندوج

O مترجم: شقایق قندهاری

ما رسیده است. البته، مردم هر عصر و زمانه نیز گونه‌های ادبی خود را غنایی خاص بخشیده‌اند. آثار بسیار متنوع و متفاوتی در زمینه‌هایی مثل معما و چیستان، قصه‌های تمثیلی، بازی‌های زبانی، قطعه‌های وعظ و اندرز و... خلق شده است.

شعر، خرگوش جوان، نمونه‌ای از همین آثار است. در این شعر، خرگوش کوچکی رنج و عذاب خود را در طی روند بزرگ شدن توصیف می‌کند. بخشی از شعر را می‌خوانیم: «... وقتی از صخره‌ای بالا می‌روم، سگ گازم می‌گیرد. اگر از صخره بالا بروم، شکارچی مرا می‌زند و اگر به کنار رودخانه بروم، پرنده شکارچی مرا می‌رباید. حالا چطور باید مثل یک خرگوش بزرگ بشوم؟ چه حیف! چقدر برایم غم‌انگیز است!»

نقش و تأثیر آثار عامیانه و محلی، در گسترش و توسعه ارتباط انسان‌ها و انواع و اقسام جانوران، بسیار مهم است. بسیاری از کودکان، از همان ابتدای زندگی، داستان‌های معروف مثل «مادیان سفید تیسوت» و «شتر کوچولوی یتیم» را بارها و بارها شنیده‌اند. خوشبختانه، کودکان به وسیله چنین داستان‌هایی، با حکمت و زیبایی زندگی آشنا می‌شوند. به علاوه، از این طریق می‌توانند تفاوت میان چیزهای خوب و بد را یاد بگیرند.

از قرن‌ها پیش، مردم تلاش کرده‌اند تا به

خدمتی کرده است. مردی که شعر بسیار کوتاه و غنی زیر را نوشت یک نویسنده کودک و نوجوان محسوب می‌شود! این پدر معتقد بود که فرزندان باید در طول دوران زندگی خویش، برترین خصایل و ویژگی‌های انسانی را کسب کنند. این پدر در شعر خود می‌گوید:

در مطالعه و آموزش خردمند شو
خواب آلوده نباش،

دستانی هوشیار و توانا داشته باش
از واژگانی حکیمانه استفاده کن

از قدرتمندان تعریف نکن

با افراد عادی مهربان باش

در نبرد قهرمان باش

و در دریا شناگری قوی باش

و صادقانه به قانون وفادار و پای‌بند باش

زمانی که با دقت و تعمق، به معنی تک تک واژه‌ها می‌اندیشید و آن‌ها را از منظری تربیتی و آموزشی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهید می‌توانید آن را شعری آموزشی بخوانید.

این نوشته حاصل خلاقیت ذهنی پویاست که ذهن کودک و نوجوان را روشن می‌کند و برای این منظور، از سحر زبانی خلاق و فکری حکیمانه بهره می‌برد. نمونه‌های مختلفی از این دست اشعار، نشانگر خلاقیت عموم مردم است.

همین شعر، امروزه نیز رواج دارد و از زمان‌های بسیار قدیم، نسل به نسل گشته تا به

چندی پیش، با یکی از نویسندگان خارجی ادبیات کودک و نوجوان آشنا شدم. وی از من پرسید: «ادبیات کودک و نوجوان کشور مغولستان، چه زمان پدید آمد؟» و این پرسشی نیست که بتوان در چند کلمه به آن پاسخ داد. از این رو، تصمیم گرفتم پس از قدری تأمل و تفحص در این زمینه، پاسخ این سؤال را در یک مقاله ارائه بدهم.

نویسندگان ناشناس

همه قصه‌ها با این عبارت شروع می‌شوند: «روزی، روزگاری...» پس معلوم می‌شود که ادبیات کودک و نوجوان، از خیلی وقت پیش پدید آمده است، اما چون در آن دوران، کاغذ و قلم وجود نداشت، نام نویسندگان و مؤلفان ادبیات کودک و نوجوان نوشته نمی‌شد. نکته شگفت‌انگیز این است که با وجود این قضایا، قصه‌ها و داستان‌ها نسل به نسل، از طریق قصه‌گویی شفاهی، به نسل‌های بعدی منتقل و حفظ شد. من تصور می‌کنم که نخستین نویسندگان، پدرها و مادرها بودند؛ همان کسانی که بر ادبیات کودک و نوجوان تأثیر گذاشتند. مادری مغولی که برای فرزند تازه دنیا آمده خود، لالایی می‌ساخت و می‌خواند، خدمت بزرگی در حق شعر کودک مغولستان انجام داد. هم‌چنین، پدر مغول هم که اشعار را از حفظ برای کودک خود می‌خواند، چنین

آیین ادبیات شفاهی کشور خود پایبند باشند و با حفظ این رویکرد، جهان شگفت‌انگیز خیال و اندیشه برای کودک آشکار شده است.

عصر جدید

زمانی که نویسندگان مغولی کار نوشتن را شروع کردند. عصر جدیدی در ادبیات این کشور باز شد. میراث مکتوب پیشینیان ما تا به امروز حفظ شده است و همواره حفظ و نگهداری خواهد شد. این آثار بر سنگ‌ها نقش می‌بست، با زر و سیم شکلی به خود می‌گرفت و بر روی کاغذ چاپ می‌شد برای نمونه، کتاب «تاریخ اسرارآمیز مغولستان»^۱ که ۷۵۰ سال پیش به رشته تحریر درآمد، به لحاظ ساختاری بسیار پربار است. می‌توان به نمونه‌هایی از کارهای موجود در این مجموعه اشاره کرد: «مادر آلان گو آ پنج پسر خود را صدا زد و به آن‌ها گفت تا در یک ردیف بنشینند او به هر یک از آن‌ها کمانی داد. سپس از آن‌ها خواست تا کمان خود را بشکنند. برادرها به سهولت از عهده این کار برآمدند. مادر سپس به هر یک از آن‌ها دسته‌ای کمان داد. او به آن‌ها دستور داد تا تمام کمان‌ها را بشکنند، اما هیچ یک از برادرها نتوانستند چنین کاری را انجام بدهند.» مقصود از این تمثیل ادبی، بیان این نکته است: «گروهی متحد هرگز از هم جدا و متفرق نمی‌شوند.» در حکایت‌های ادبی سایر کشورها نیز می‌توان نمونه‌هایی از این قبیل را پیدا کرد. در این مجموعه، هم چنین داستانی دربارهٔ کودکی یتیم، به نام «تموچین» وجود دارد. او در کودکی و زمانی که نه ساله بود، رنج‌های بسیاری کشید، اما این زندگی سخت و طاقت فرسا، او را محکم و قوی ساخت. شما با مطالعه این صفحات می‌توانید اطلاعات زیادی دربارهٔ چنگیزخان بدست بیاورید. با خواندن کتاب تاریخ اسرارآمیز مغولستان، فرد به این نتیجه می‌رسد که اجداد و نیاکان ما، خرد و حکمت مردمی را به

ما آموزش داده‌اند، به عنوان مثال، به مورد زیر توجه کنید:

اگرچه جسم تان ظریف و شکننده است، نام نیک شما جاودانه می‌ماند.

نیست هیچ دوستی برتر از ذهنی زیرک و هوشیار و نیست هیچ دشمنی بدتر از خشم بی‌دلیل.

آثار ادبی ای که پس از این مجموعه انتشار یافتند، پندهای حکیمانه متعددی را در بر دارند. مثلاً در کتاب «راز حکمت» آمده است: «واژه‌ای را که برای دوستان خود ناخوشایند می‌پندارید، به زبان نیاورید!»

بسیاری از آثار برگزیدهٔ ادبی این کشور را به هیچ وجه نمی‌توان از ادبیات کودک و نوجوان آن تفکیک کرد. آثار ادبی ارزشمند دیگری نیز هم چون «تاریخ اسرارآمیز مغولستان» در میان گنجینهٔ ادبیات جهان جای گرفته‌اند. نویسندگان چنین آثاری، اگرچه ناشناخته ماندند، جزو افراد مستعد و توانای کشور مغولستان بودند.

قرن نوزدهم

در قرن نوزدهم، اظهار نظرهای انتقادی در خصوص پدیده‌های اجتماعی مشخص با زبان حیوانات، به امری کاملاً مرسوم تبدیل شد. هدف از خلق چنین آثاری، برانگیختن حس همدلی و محبت کودکان نسبت به حیوانات بود. در میان چنین آثاری، می‌توان به تعدادی از آن‌ها اشاره کرد: «گفت و گوی میان گوسفند، بز و گاو» نوشتهٔ آگوان هایداف^۲، «حکایت سگ، گربه و موش»، نوشتهٔ «قدنون میرین»^۳، «حرف‌های یک سگ خانگی»، «حرف‌های آهویی که به دام افتاد» و «قصهٔ خرگوش، گوسالهٔ یک ساله و گرگ»، نوشتهٔ «دورج میرین»^۴ از جمله آن‌ها است.

کارهای شاعر مشهور «دانزانراوگاء»^۵، توانسته دریچه‌های جهان معنوی را به روی

کودکان نسل‌های متعددی بگشاید. از جمله آثار وی، می‌توان به «تسکین بخش روح»، «ماجرای پرندهٔ کاغذی» و «پندهایی به پسرکی خردسال» اشاره کرد.

ادبیات امروز کودک و نوجوان

ادبیات نوین کودک و نوجوان کشور مغولستان، بر بستری مهیا و مناسب شکل گرفت و با تکیه بر ادبیات کهن، به رشد و شکوفایی رسید. به نظر می‌رسد که بنیانگذار ادبیات نوین این کشور، نویسندهٔ بسیار بنام، «ئاتسا دوج داشدورج»^۶ باشد. اولین کار ادبی امروزی که وی برای کودکان خلق کرد، ترانه‌ای است که در سال ۱۹۲۵ پدید آمد.

ما شک نداریم که همهٔ نوجوانان این کشور، این ترانه - «برهٔ مظلوم» - را حفظ هستند. در واقع این ترانه، با روح تمامی کودکان مغولستان که از تبار پرورش دهندگان چهارپایان هستند، پیوندی بسیار نزدیک دارد.

آثار ادبی تعدادی از نویسندگانی که از سبک و سیاق ئاتسا دورج پیروی کردند، برای نوجوانان بسیار گیرا و پرکشش است. این دسته از نویسندگان، برای هر دو گروه سنی کودک و نوجوان و بزرگسال می‌نویسند و به حق می‌توان آن‌ها را نویسندگانی نامید که با دو اسب ادبیات پیش می‌تازند. از اوایل دههٔ ۱۹۵۰، شاهد حضور نویسندگانی هستیم که تنها برای کودکان و نوجوانان می‌نویسند. برندهٔ جایزهٔ ملی، «ال توودف»^۷ و برندهٔ جایزهٔ «ئاتسا دورج»، یعنی «دی سودنون مدورج»^۸ در همان ایام در این عرصه فعال شدند. کتاب‌های آن‌ها با استقبال بالایی مخاطبان رو به رو شد. البته در این میان، نویسندگان دیگری هم حضور داشتند که با خلق آثاری به غنای کتابخانه‌های کودک و نوجوان افزودند.

عضویت و پیوستن به «هیأت بین المللی کتاب برای کودک و نوجوان» - IBBY- هستند. در سرزمین کهن مغولستان، تعداد نویسندگانی که حاضرند جان، استعداد و تمام احساسات وجودی خود را به نسل‌های آینده تقدیم کنند، رو به افزایش است.

ترویج و ارتقای کتاب‌های کودکان

هر دو سال یک بار، انجمن بین المللی ادبیات کودک و نوجوان مغولستان، به بهترین آثاری که توسط نویسندگان، هنرمندان و تولیدکننده‌های فیلم پدید آمده، جایزه‌ای می‌دهد. این جایزه، «اسب طلایی» نام دارد و هدف اصلی از اهدای این جایزه، تشویق و حمایت از خلق آثاری متناسب با علایق و سلیقه‌های هنری و ادبی کودکان و نوجوانان است. البته جایزه اسب طلایی، به آن دسته از نویسندگان سایر کشورها که نقش بسزایی در هنر و ادبیات جهانی از خود به جا می‌گذارند نیز اهدا می‌شود.

پی نوشت‌ها:

۱. The Secret History of Mongolia
۲. Agvanhaidav
۳. Ghendon Meren
۴. Dorge Meren
۵. Danzanravgaa
۶. Natsagdorge Dashdorge
۷. L. Tudev
۸. D. Sodnomdorge
۹. H. C. Andersen
۱۰. Mark Twain
۱۱. Selma Lagerlof
۱۲. Astrid Lindgren
۱۳. Antone de St. Exupery
۱۴. Belinsky

طور حرفه‌ای برای کودکان کار نمی‌کنند. بیشتر نویسندگان کودک و نوجوان، هم زمان به چند کار مشغول هستند. بسیاری از آن‌ها علاوه بر روزنامه نگاری، آموزگاری، مهندسی و کتابداری، برای کودکان نیز می‌نویسند.

ادبیات کودک و نوجوان کشور مغولستان، با تحولات کنونی ادبیات جهان، فاصله چندانی ندارد. بسیاری از نویسندگان مطرح جهانی نظیر «اچ. سی. اندرسن»^۱ «مارک تواین»^۲ «سلما لاگرفولف»^۳، «آسترید لیندگرن»^۴، «آنتوان سنت اگزوپری»^۵ و... در متون آموزشی و درسی مغولستان، حضوری برجسته دارند و الهام بخش کودکان در این سرزمین هستند. بدین ترتیب، می‌توان دریافت که نویسندگان خارجی، خدمت ارزشمندی در حق ادبیات کودک و نوجوان کشور ما انجام داده‌اند.

ما تمایل داریم که ادبیات کودک و نوجوان مغولستان - به سبب توانایی و ظرفیت منحصر به فرد آن در توصیف انگاره‌ها و حالات روحی و عاطفی کودکان و نوع ارتباطی که با طبیعت دارند - با ادبیات کودک سایر کشورها متفاوت و متمایز باشد. مغولستان صاحب غنای خاص در حیطه ادبیات کودک و نوجوان است. به گفته «بلینسکی»^۶ «در مغولستان عده‌ای متولد شدند تا نویسنده کودک و نوجوان بشوند و همین افراد توانسته‌اند به نسل جوان و پیر این حوزه سر و سامان بدهند.»

در آثار این نویسندگان می‌توان نشانه‌هایی از خرد و حکمت مردمی و روحیه خستگی‌ناپذیری اجدادمان را جست و جو کرد. در طول نیم قرن گذشته، نویسندگان ما موفق شده‌اند گنجینه‌های ادبی ارزشمندی خلق کنند و هم‌اینک از شرایط لازم برای تصاحب جایگاهی مناسب در ارکستر ادبیات کودک و نوجوان جهان برخوردارند. در حقیقت، هم‌اینک آن‌ها خواهان

ادبیات نوین کودک و نوجوان مغولستان، پیوسته با ترانه‌ها، اشعار، اشعار حماسی، داستان‌ها و رمان‌های غنی‌تر و پربارتر شده است. در ادبیات کودک و نوجوان مغولستان، پیوسته به دوستی میان کودکان، علاوه بر اهمیت حفاظت از محیط زیست و طبیعت، اشاره شده است.

کتاب‌های کودک و نوجوان، معمولاً زمانی طولانی در قفسه‌های کتاب فروشی‌ها نمی‌مانند که این مسئله به خوبی قابل درک است. در حقیقت، بیش از نیمی از جمعیت کشور ما را کودک و نوجوانان زیر ۱۶ سال تشکیل می‌دهند. کودکان مغولی به مطالعه کتاب علاقه‌مند هستند. یکی از صفحات روزنامه کودکان، تصویر دختر کوچکی را در حین مطالعه بر پشت یک شتر نشان می‌دهد!

ادبیات به هیچ وجه کودک و نوجوان را از توجه به حقایق دور نگاه نمی‌دارد. در اغلب مواقع، کودکان تعطیلات تابستان را در دامن طبیعت و فضای آزاد سپری می‌کنند. در واقع، ما -نویسندگان کودک و نوجوان- به سبب برآورده نکردن نیازهای مخاطبان کودک و نوجوان خود (به دلیل تیراژ پایین کتاب و پخش نامناسب آثار)، همواره مورد انتقاد هستیم.

یکی از مسائلی که هم‌چنان درخصوص وضعیت ادبیات کودک و نوجوان کشور مغولستان مطرح است، بحث کیفیت کتاب‌هاست. بسیاری از منتقدان ادبی معتقدند که تعداد قابل توجهی از کتاب‌های این گروه سنی، با عواطف و احساسات کودک ارتباط مناسبی برقرار نمی‌کند و از این رو، این قبیل کتاب‌ها نمی‌توانند به دوستان حقیقی کودکان تبدیل شوند.

گاهی ما نویسندگان از یکدیگر می‌پرسیم: «آیا نویسندگی در حوزه ادبیات کودک و نوجوان، خود یک حرفه تخصصی است؟» می‌توان گفت که هیچ یک از نویسندگان کودک و نوجوان، به